

# ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۳۹

۲۶ دی ۱۳۹۹ / ۱۵ ژانویه ۲۰۲۱



**محدودیت در ورود واکسن کرونا و حق بر سلامت**



## در این شماره می‌خوانید:

\* واکسن کرونا و اختیارات ولی فقیه

\* کرونا، علامگی و استبداد

\* حسن یوسفی اشکوری: تصمیم‌گیری برای خرید واکسن کرونا در شأن فقیه نیست

\* حق بر سلامت و ممنوعیت ورود واکسن بریتانیایی و آمریکایی

\* دستور نخریدن واکسن کرونا، مشارکت در قتل محسوب می‌شود

\* مخالفت با ورود واکسن، نقض اصل منفعت عمومی شهروندان و حق حیات

\* محمد مقیمی: منع واردات واکسن، مغایر قانون اساسی

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری، رضا حاجی حسینی، علی اصغر فریدی، شهرزاد کریمی، جواد عباسی

توللی

نویسنده میهمان: محمدرضا نیکفر

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است  
و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.

دارد که قابل توجه است:

رهبر جمهوری اسلامی در سخنرانی نوروزی اش تلویحاً آمریکا را به تولید ویروس کرونا متهم کرد، ایالات متحده را «خبیث‌ترین دشمن جمهوری اسلامی» خواند و گفت: «آمریکا متهم است که ویروس کرونا را تولید کرده، بنابراین ایران حاضر نیست از این کشور کمک بخواهد.»

خامنه‌ای همچنین گفت که ممکن است آمریکا در قالب اعزام تیم‌های امدادی بخواهد به جمع‌آوری اطلاعات درباره بیماران ایرانی بپردازد.

به دنبال این اظهارات فعالیت سازمان «پزشکان بدون مرز» در ایران متوقف شد.

وزارت بهداشت جمهوری اسلامی اعلام کرد ایران در مقابله با کرونا از کمک‌های هر کشور و نهادی «جز دولت‌های آمریکا و اسرائیل» استقبال می‌کند، اما: «فهرست موارد مورد نیاز پیش از این اعلام شده و قاعدتاً مواردی که منطبق بر نیازهای فعلی نباشد، عملی نخواهند شد.»

ایجاد مرکز درمانی سازمان پزشکان بدون مرز در اصفهان هم از جمله همین موارد دانسته و اعلام شد مرکز درمانی پزشکان بدون مرز جزو نیازهای از پیش اعلام شده ایران نیست.

هفتم فروردین ماه ۹۹ هم حسین سلامی، فرمانده کل سپاه گفت اظهارات آمریکایی‌ها برای کمک به ملت ایران «چیزی جز یک فریب و دروغ» نیست. او گفت: «به آنها می‌گویم اگر ملت آمریکا نیازی به کمک دارد آماده این کار هستیم اما ما نیازی به کمک آنها نداریم.»

بر همین بستر رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی تلویزیونی در روز جمعه ۱۹ دی ۹۹ گفت:

«ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است. اگر آمریکایی‌ها توانسته بودند واکسن درست بکنند وضعیت خودشان اینگونه نبود ... به این‌ها اعتماد و اطمینان هم نیست. گاهی این‌ها می‌خواهند روی ملت‌های دیگر امتحان کنند. البته من به فرانسه هم خوش بین نیستم چون سابقه ورود خون‌های آلوده را داریم.»

۱۰ ماه پیش از این اظهارات (۲۷ اسفند ۹۸) اما خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) خبر ارسال بسته کمک‌های «پزشکی و مالی» بریتانیا با همراهی فرانسه و آلمان به ایران

را منتشر کرد. بسته‌هایی برای مقابله با شیوع ویروس کرونا. ایران کمک‌هایی از کشورهای دیگر از جمله چین و قطر نیز پذیرفته است و گفته می‌شود بیشترین کمک‌ها را امارات متحده عربی به ایران کرده است.

### اختیارات «ولی فقیه» نامحدود نیست

• اختیارات ولی فقیه بسیار وسیع است اما برخلاف تصور آقای خامنه‌ای، نامحدود نیست.

این را شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل درباره اظهارات علی خامنه‌ای در ممنوع کردن ورود واکسن کرونا از آمریکا و بریتانیا می‌گوید.

عبادی درباره جایگاه حقوقی این اظهارات به «حقوق ما» می‌گوید:

«در قانون اساسی قید نشده که اختیارات رهبری مطلق است. اینکه عده‌ای رهبری جمهوری اسلامی را ولی مطلقه فقیه می‌دانند، خلاف قانون اساسی است.»

این حقوقدان تأکید می‌کند که هدفش از طرح موضوع از این زاویه حمایت از علی خامنه‌ای نیست و منظورش این است که اختیارات او بیش از اندازه است اما در عین حال نامحدود نیست: «همین امر باعث می‌شود که معتقد باشیم دستور او برای منع ورود واکسن‌های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی برخلاف اختیاراتی است که قانون اساسی به او اعطا کرده است؛ صرف نظر از اینکه خامنه‌ای صلاحیت علمی چنین اظهار نظری را حتی به عنوان شهروند عادی هم ندارد چرا که تحصیلاتی در این زمینه ندارد.»

به هر ترتیب اما این اظهارات رهبر جمهوری اسلامی به عنوان عالی‌ترین مقام نظام مستقر در ایران بر حق سلامت و درمان شهروندان به عنوان یکی از حقوق اساسی آنان بسیار تأثیرگذار بوده و به همین دلیل افکار عمومی به طرح این نظرات واکنش انتقادی گسترده‌ای نشان داده است.

شیرین عبادی درباره تأثیر این اظهارات بر تعهد دولت برای تأمین بهداشت و سلامت و حق درمان شهروندان می‌گوید: «در زمینه نقض حقوق بشر باید ببینیم وظایف حکومت‌ها در این زمینه چیست؟ دولت ایران به برخی از کنوانسیون‌ها ملحق شده است. در ماده ۱۲ کنوانسیون اقتصادی-

## واکسن کرونا و اختیارات ولی فقیه



رضا حاجی حسینی

آمریکایی و انگلیسی» به ایران به اوج خود رسید. علی خامنه‌ای که از طرفداران پرو و پا قرص «توهم توطئه» است، بار دیگر نشان داد که «دشمن‌انگاری» جوهر اصلی تصمیم‌گیری‌های اوست و حاضر نیست به هیچ قیمتی - حتی برای حفظ سلامت عموم مردم که بر اساس پیمان‌نامه‌های جهانی و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی جزء حقوق اولیه و اساسی شهروندان است - دست از رویکرد بردارد.

ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل می‌گوید کشورهای طرف این میثاق باید حق هر کس را برای بهره‌مندی از بهترین حال و سلامت جسمی و روحی به رسمیت بشناسند.

اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی هم می‌گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و ... حقی است همگانی.»

**بستر ممنوعیت و ویروس ساخته دست آمریکا**  
اعلام ممنوعیت ورود «واکسن‌های غربی» به ایران اما بستری

کمک‌های انسان‌دوستانه کشورهای مختلف به یکدیگر در مواقع بروز بحران‌ها از جمله حوادث طبیعی غیرمترقبه از جمله زلزله، سیل و ... از جمله مکانیزم‌های پذیرفته شده و ثابت در نظام بین‌المللی است و خبر ارسال این کمک‌ها (شامل بسته‌های پزشکی و دارویی) از ایران یا به ایران بارها و بارها منتشر شده است. در چنین مواقعی دولت‌ها برای یاری‌رسانی معمولاً اختلافات سیاسی را کنار می‌گذارند یا دست‌کم با سازمان‌های غیردولتی برای ارائه کمک‌های بهتر و بیشتر همراهی می‌کنند.

با وجود این الگوی رایج، جمهوری اسلامی در طول چند سال اخیر معمولاً دست رد به سینه خارجی‌ها زده و با اعلام بی‌نیازی به خصوص نسبت به کمک دولت‌های اروپایی و آمریکا که در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی از آنان با عنوان «غرب» یاد می‌شود، پیشنهاد یاری دولت‌ها و حتی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی را نیز در مواقع بروز حوادث غیرمنتظره رد کرده است.

این رویکرد سیاسی به دنبال شیوع ویروس کرونا و با بالا رفتن بحرانی که سران جمهوری اسلامی در آغاز آن را چندان جدی نگرفته بودند نیز تکرار شد و به دنبال اظهار نظر رهبر جمهوری اسلامی در مورد ممنوعیت ورود «واکسن‌های

بیندازیم و اگر با کشوری بد باشیم، حاضر نمی‌شویم اقدامات اصولی آنان را به رسمیت بشناسیم و از امکاناتشان استفاده کنیم. این شیوه کاملاً غیرانسانی است.»

### شهروندان ایرانی و امکان دادخواهی

با توجه به اینکه اظهارات علی خامنه‌ای در مقام رهبر جمهوری اسلامی در ایران «فصل الخطاب» خوانده می‌شود و نقد آن یا ایستادگی و مقاومت در برابر آن می‌تواند هزینه‌ای سنگین ایجاد کند، آیا یک شهروند در این وضعیت می‌تواند اقدام حقوقی خاصی صورت دهد؟

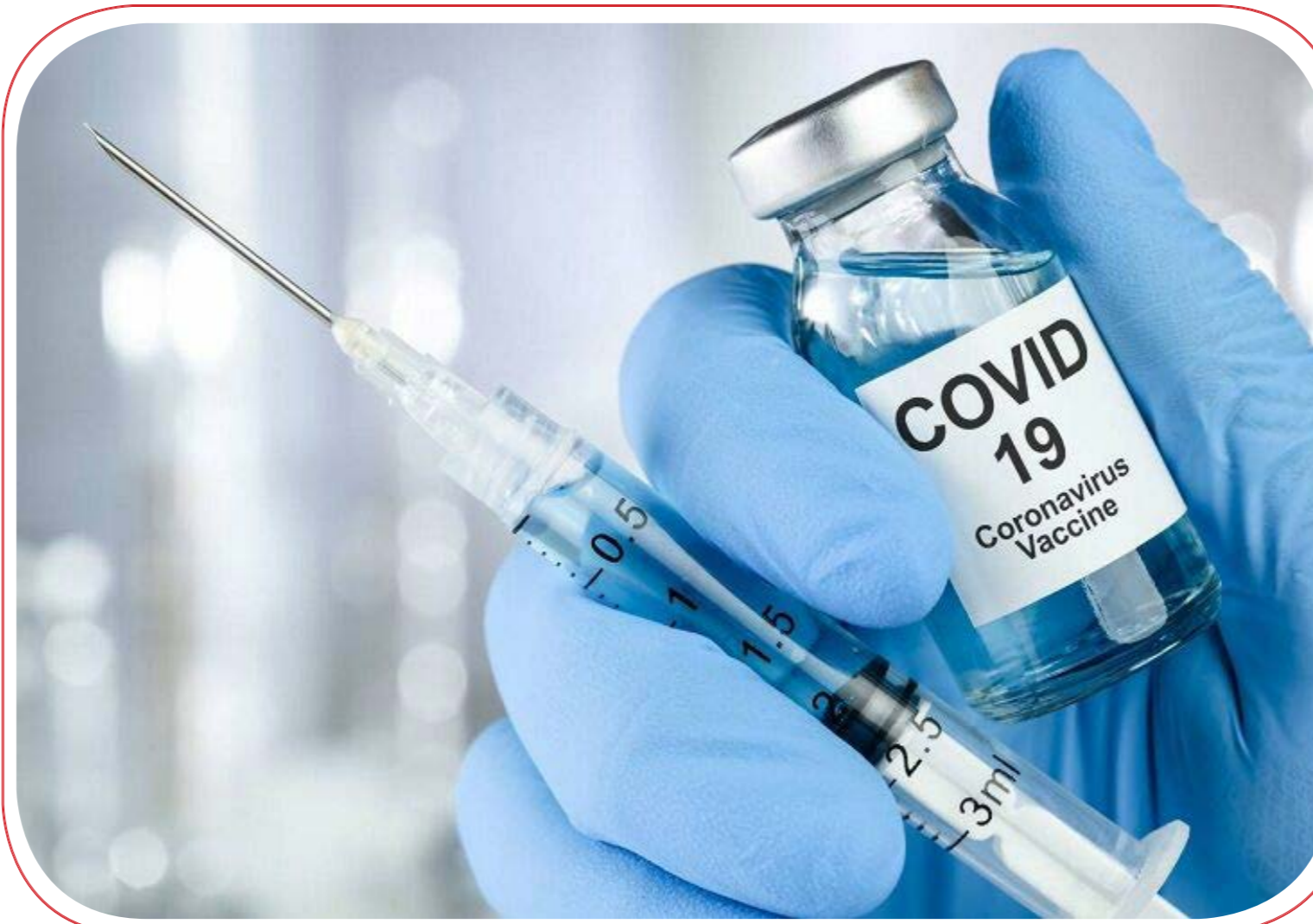
شیرین عبادی در پاسخ به این سوال می‌گوید: «اقدام حقوقی در داخل کشور یعنی شکایت کردن از این تصمیم. با توجه به اینکه قوه قضاییه مستقلاً در ایران وجود ندارد و رئیس قوه قضاییه خود از طرف رهبری تعیین می‌شود که چنین فرمان غیرقانونی، غیرعادلانه و غیرعقلانی‌ای را صادر کرده، بنابراین امکان اقدام حقوقی در داخل ایران عملاً غیرممکن است.»

برخی نهادهای صنفی در داخل ایران اما به این تصمیم رهبر جمهوری اسلامی معترض شده‌اند و با صدور بیانیه‌هایی از دولت خواسته‌اند تا برای انجام واکسیناسیون شهروندان اقدامی عاجل صورت دهد.

از جمله این نهادها می‌توان به اتحادیه آزاد کارگران ایران و کانون‌های صنفی معلمان گیلان و کردستان اشاره کرد.

اتحادیه آزاد کارگران در بیانیه خود گفته است اقدامات مقامات حکومتی ایران در زمینه مبارزه با کرونا، «تعرض به جان و زندگی افراد جامعه» است. این بیانیه خواستار انجام واکسیناسیون فوری و رایگان برای همه کارگران و دیگر افراد جامعه ایران شده است.

شیرین عبادی اما درباره اقدامات حقوقی قابل انجام در خارج از کشور در اعتراض به اظهارات علی خامنه‌ای هم می‌گوید: «اقدام از طریق سازمان ملل و کمیساریای عالی حقوق بشر - همان راهی که کانون مدافعان حقوق بشررفته است - شاید فعلاً تنها راه ممکن برای اعتراض حقوقی باشد چون دادگاه خاصی وجود ندارد که شهروندان ایرانی به آن مراجعه کنند و رأی دادگاه را مبنی بر الزام دولت ایران به تهیه واکسن دریافت کنند.»



همین حکومت با دولت کوبا، با آزمایش فاز سوم واکسن کوبایی در ایران موافقت شده است.»

به گفته شیرین عبادی حکومت با این قرارداد شهروندان ایران را به موش آزمایشگاهی تبدیل کرده است در حالی که همواره گفته و تأکید کرده که نمی‌خواهد به کشورهای غربی اجازه بدهد واکسن خود را در ایران آزمایش کنند: «یعنی در حالی که حاضر نیستند واکسن‌های تأیید شده را برای مردم تهیه کنند اما واکسن‌های تأیید نشده کشوری جهان سومی مانند کوبا را حاضرند حتی به صورت آزمایشی استفاده کنند.»

او تأکید می‌کند که این رویکرد چیزی نیست جز دخالت دادن سیاست در مهم‌ترین اصل زندگی شهروندان، یعنی بهداشت و سلامت: «پیام این اقدام این است که با هر کشوری خوب هستیم می‌توانیم بدون اندیشیدن به عواقب کارمان قرارداد ببندیم و سلامت شهروندان را به مخاطره

است، زمینه‌ساز مجموعه‌ای اقدامات شده است که شیرین عبادی، حقوقدان و برنده جایزه صلح نوبل آنها را خلاف قانون و خلاف ضوابط حقوق بشر می‌داند. او می‌گوید: «به همین دلیل من به نمایندگی از کانون مدافعان حقوق بشر نامه‌ای به کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل نوشتم و با اعلام این مراتب، درخواست کردم از کلیه امکانات خود برای وادار کردن حکومت ایران به خرید واکسن‌های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی، بهره بگیرند.»

عبادی اما به شرح مبنای برخی مخالفت‌ها با واکسن‌های «آمریکایی و انگلیسی» نیز می‌پردازد و می‌گوید: «علت مخالفت حکومت ایران با واکسن‌های تأیید شده ساخت آمریکا و بریتانیا - آن‌طور که اعلام می‌کنند - این است که این واکسن‌ها ایمن نیستند و سلامت شهروندان ایرانی را به مخاطره خواهند انداخت. اما بر همین مبنای، جالب توجه است اگر به این نکته دقت داشته باشیم که طبق قرارداد

اجتماعی (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) قید شده که حکومت‌ها موظفند سلامت شهروندان خود را تأمین کنند. همچنین حکومت‌ها باید با بیماری‌های بومی و همه‌گیری مبارزه کرده و اقدامات پیشگیری را به موقع انجام دهند و از این طریق سلامت شهروندان را تضمین کنند.»

در متن ماده ۱۲ کنوانسیون اقتصادی-اجتماعی (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) تأکید شده است که پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها و همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها از وظایف دولت‌هاست.

ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری نیز به طور مشخص مورد تأکید این ماده از میثاق مورد نظر است.

عبادی به قانون اساسی جمهوری اسلامی هم اشاره می‌کند و می‌گوید که همین معنا و مفهوم در قانون اساسی فعلی هم قید شده است: «در ماده ۲۹ قانون اساسی، تضمین سلامت شهروندان و برخورداری همگان از درمان و معالجه بیماری‌ها از جمله بیماری‌های همه‌گیر جزو وظایف دولت شناخته شده است.»

به این ترتیب و بر اساس گفته‌های این حقوقدان، دولت جمهوری اسلامی و به طور مشخص قوه مجریه - اعم از رئیس جمهوری، وزارت بهداشت و زیر مجموعه‌های آن و ... موظفند برابر قانون حقوق شهروندان را تأمین کنند.

شیرین عبادی بر همین اساس می‌گوید که دولت نباید به «دستور غیرقانونی» علی خامنه‌ای توجه کند و باید با وارد کردن واکسن، مقدمات واکسیناسیون شهروندان را فراهم کند تا با این بیماری به صورت ریشه‌ای برخورد شود.

او در ادامه می‌گوید: «از همه بدتر این است که طبق اسناد به دست آمده، قبلاً دستور خرید واکسن هم صادر شده بوده اما با دخالت غیرقانونی خامنه‌ای، آن دستور لغو شده است.»

### اعتراض کانون مدافعان حقوق بشر

آن‌چه از سوی رهبر جمهوری اسلامی به عنوان دستور ممنوعیت واردات واکسن از «آمریکا و انگلیس» مطرح شده



می‌کنند که

«هر که خواند صرف میر میرا - بشکند صد قفل و صد زنجیر را»

همه علامه‌اند، اما رهبرشانی فراتر از صیغه مبالغه دارد. از همه چیز سردر می‌آورد: دین، ادبیات، فلسفه، اقتصاد، سیاست جهانی، نظامی‌گری و ... ویروس‌شناسی. کروناشناس و واکنش‌شناس هم شده است و در این باره حکم صادر کرده است. درباریان هم حمد و ثنایش می‌گویند.

مشکل بنیادی به جایگاه برمی‌گردد. هرکس بر سریر قدرت در یک ساختار استبدادی بنشیند، خود به خود علامه می‌شود. در اصل، دستگاه حاکم، علامه است. انحصار قدرت به صورت طبیعی با تصور انحصار دانش همراه می‌شود.

آنچه نهایت قدرت به نظر می‌رسد - ترکیب سلطه بر خزانه مملکت، تفنگ و تصور دانش مطلق - اساس ضعف استبداد نیز هست. با مشکلی جدی که مواجه شوند، اقتضای لحظه را در نمی‌یابند. جهلشان بر ادراک بحران پیشی می‌گیرد. این پسماند (HYSTERESIS)، توهم

همه چیزدانی را به زنجیری بردست و پای استبداد تبدیل می‌کند. آنگاه که می‌گویند صدای بحران را شنیدیم، دیگر دیر شده است.

مستبد کوشش می‌کند محکم حرف بزند و صدایش نلزد. هر جا بیشتر حکم داد و خود را مطمئن نشان داد - در نمونه سخنرانی ولی فقیه درباره کرونا و قضایای دیگر - به تجربه می‌توان اَلدُرْمُ بَلْدُرْمُ اش را نشانه آن دانست که وضع وخیمی دارند و پیشوا دارد تشرمی زند تا صف‌های عواملش را مرتب کند.

پس ماندن ادراک از حماقت، مستلزم خاموش کردن هر صدایی دیگر، حتا در شکل زمزمه پرسش و تردید در اطرافیان است.

اینک علامگی در نظام ولایی به مرتبه یکدست‌سازی کامل دستگاه رسیده است. برنامه‌هایشان برای دوره پیش رو انجام تجدید سازمانی در نظام است که در آن علم و اراده رهبرها مانع کمتری ساری و جاری شود. اثر پسماند نیرومندتر می‌شود. اسکیزوفرنی ولایی به مداری بالاتر می‌جهد.

## کرونا، علامگی و استبداد



محمد رضا نیکفر

چنین باشد، وای بر حال دیگران:

«وزرای نوشیروان در مهمی از مصالح مملکت اندیشه همی کردند و هر یکی از ایشان دگرگونه رای همی زدند و ملک همچنین تدبیری اندیشه کرد. بزرگمهر را رای ملک اختیار آمد. وزیران در نهانش گفتند: رای ملک را چه مزیت دیدی بر فکر چندین حکیم؟ گفت: به موجب آنکه انجام کارها معلوم نیست و رای همگان در مشیت است که صواب آید یا خطا پس موافقت رای ملک اولی تر است تا اگر خلاف صواب آید، به علت متابعت از معایت ایمن باشم.

خلاف رای سلطان رای جستن - به خون خویش باشد دست شستن  
اگر خود روز را گوید شب است این - ببايد گفتن آنک ماه و پروین!»

در آخر دوره پهلوی، بحران اقتصادی‌ای که به بحران راه برد و از عامل‌های انقلاب شد، مستقیماً در پیوند با علامگی شاه بود. او به گمان خود از سازمان برنامه و کارشناسان آن بهتر و بیشتر می‌دانست، و کسی از جمع آن تشکیلات جرأت نداشت به رهبر عظیم‌الشأن بگوید دارد چه پیش می‌آید.

داستان تکرار می‌شود. اکنون مظهر مستبد همه‌چیزدان سیدعلی خامنه‌ای است. علما به صورت ژتیک همه علامه‌اند، از همه چیز سردر می‌آورند، از زمان طلبگی باور

از شاخص‌های استبداد در ایران و به نوعی در همه جا، علامگی سلطان است. شاه همه چیز را می‌داند. در آغاز که بر تخت می‌نشیند هنوز نامطمئن است. گاهی نظر اطرافیان را می‌پرسد. مستقر که شد علامه می‌شود. درباریان، از او استعلام و استفتا می‌کنند و مدام مدحش را می‌گویند.

تاریخ دوره اخیر ایران از این نظر درس آموز است. از زمان تشکیل «مجلس امرای جمهور» در ابتدای کار ناصرالدین شاه، در ادامه «مصلحت‌خانه» و «دارالشورا» و سرانجام «مجلس شورای ملی» و پس از انقلاب «مجلس شورای اسلامی» شور و نظردهی و نمایندگی کمتر مضمونی واقعی یافته، چون آن کس که بر سریر قدرت نشسته خود علامه‌پندار است، از همه چیز سردر می‌آورد و گمان می‌برد که مصلحت ملت را بهتر از همه می‌داند. سکوت و جبن و ریاکاری اطرافیان بر توهم مستبد می‌افزاید.

سعدی در این باره حکایتی را نقل می‌کند (گلستان، در سیرت پادشاهان) که از نظر دو شخصیت حاضر در آن بسی جالب است: انوشیروان و بزرگمهر. داستان در دربار انوشیروان رخ می‌دهد که سعدی هم او را مظهر عدل می‌داند. و کسی که خیک علامگی شاه را باد می‌کند، خود در دانایی و حکمت مثال‌زدنی بوده است. داستان آنان که

## حسن یوسفی اشکوری: تصمیم‌گیری برای خرید واکسن کرونا در شأن فقیه نیست

پس از بالا گرفتن انتقادات از مسئولان حکومتی در ایران به دلیل تعلل در خرید واکسن کرونا و توزیع به موقع آن در سراسر کشور، علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی روز ۱۹ دی ماه، در یک برنامه تلویزیونی و در اقدامی جنجال برانگیز، با اعلام اینکه «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی ممنوع است»، ایرانیان را دست‌کم از دریافت سه واکسن معتبر بین‌المللی محروم کرد.

به دنبال این اقدام رهبر جمهوری اسلامی و در شرایطی که شیوع ویروس کرونا در ایران پس از گذشت حدود یک سال همچنان خارج از کنترل باقی مانده، در روزهای گذشته بسیاری از مقامات دولتی و نهادهای نزدیک به حکومت ایران از جمله وزارت بهداشت، سازمان نظام پرستاری، سازمان هلال احمر ایران، سازمان نظام پزشکی به همراه صدها تن از نمایندگان مجلس هم تلاش کردند مواضع خامنه‌ای مبنی بر ممنوعیت خرید واکسن از کشورهای غربی را موجه جلوه دهند. این مسأله اما منجر به افزایش نگرانی‌ها درباره حفاظت از سلامت و بهداشت عمومی جامعه شده است.

از سوی دیگر در روزهای گذشته برخی از چهره‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر نیز در اقداماتی جداگانه از مقامات دولتی ایران خواسته‌اند تا در سریع‌ترین زمان ممکن و برای حفاظت از جان شهروندان، از طریق معتبرترین منابع، واکسن کرونا را تهیه و به رایگان در سراسر کشور توزیع کنند.

اما به راستی تصمیم‌گیری درباره تأمین واکسن کرونا در ایران برعهده چه شخص یا نهادی است؟ آیا طبق قانون اساسی ایران، تعیین تکلیف برای خرید واکسن برعهده رهبر جمهوری اسلامی

با تمام این تفاسیر، در قانون اساسی، به غیر از رهبر سیاسی یک سمت و جایگاه دیگر هم تحت عنوان «ولایت فقیه» آن‌هم با قید «مطلقه» برای رهبر جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است. ولایت فقیه در واقع دو جزء دارد، یکی «ولایت» که در واقع همان رهبری سیاسی مد نظر است و دوم «فقیه»، بدین معنی که رهبر قرار است در چارچوب فقه عمل کند. حال اگر بنا باشد در چارچوب فقه هم عمل کند، فقها اصطلاحی دارند مبنی بر اینکه که می‌گویند «تعیین مصداق، شأن فقیه نیست» و فقیه فقط براساس شواهدی که در اختیار دارد یا براساس نوع سوالی که مقلد از او می‌پرسد، می‌تواند حکم الهی را استنباط کرده و اعلام کند. به عبارت دیگر فقیه می‌تواند اعلام حکم کند یا فتوا دهد اما تعیین مصداق نمی‌کند. «تعیین مصداق، شأن مقلد است» بنابراین اگر از این منظر هم نگاه کنیم، باز هم می‌بینیم که ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران، حق دخالت در مصادیق و جزئیات را ندارد.

موضوع مورد بحث یعنی تصمیم‌گیری برای خرید، تهیه و توزیع واکسن کرونا و اینکه از کجا باید خریداری شود و داخلی باشد یا خارجی و ده‌ها مسأله مرتبط با آن، همه به قوه مجریه برمی‌گردد و این قوه هم وزارت بهداشت و درمان دارد که در آنجا ده‌ها متخصص، علم‌شان را روی هم می‌گذارند و درباره یک مسأله تصمیم می‌گیرند و در نهایت شورای علمی این متخصصین به یک نتیجه‌ای می‌رسد و آن نتیجه را اعلام می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان گفت موضوع خرید واکسن، هیچ ارتباطی با ولی فقیه و رهبر جمهوری اسلامی ندارد. نه از بُعد رهبری یعنی ولایت سیاسی و نه از بُعد فقهی.

از طرف دیگر یک عبارت غلط انداز در اصل ۵۷ قانون اساسی تحت عنوان «ولایت مطلقه فقیه» آمده که این کلمه مطلقه، راه را برای سوء استفاده‌ها یا دخالت رهبر جمهوری اسلامی در تمام جزئیات امور مملکتی باز می‌کند.

این مطلقه را همواره به دو معنا به کار برده‌اند؛ یکی مافوق قانون، یعنی در هر جایی که ولی فقیه تشخیص دهد که باید دخالت کند، ورود می‌کند و این دخالت هیچ قاعده و معیاری ندارد و هیچ قدرتی هم برای پاسخگو کردن او وجود ندارد و دومی هم ولایت مطلقه یعنی مافوق حکم اولیه اسلام.



طبق نظری که آقای خمینی مطرح کرد، ولی فقیه می‌تواند بنا به تشخیص خودش حتی احکام اولیه اسلام را هم الغا کند. امروز در نظام جمهوری اسلامی، ولی فقیه و مدافعان او با استفاده از این اصل و با استناد به این ماده قانونی، اعلام می‌کنند که هرکجا که ولی فقیه تشخیص دهد ولو درباره واکسن یا قرنطینه شهرها، بدون اینکه معلوم باشد معیار تشخیص او چیست، تصمیم می‌گیرد که در این امور دخالت کند و نظر او هم برای مجموعه حاکمیت الزام آور و حکمش نافذ است. به عبارت دیگر برای ولی فقیه یک دایره وسیعی از اختیاراتی با مرز ناپیدا قایل شده‌اند.

**سوال:** برخی از منتقدین اظهار نظر خامنه‌ای درباره ممنوعیت خرید واکسن کرونا را به مافیای پشت پرده واردات دارو از جمله دست‌های پنهان سپاه پاسداران که احتمالاً قصد خرید واکسن از کشور چین را دارند، مرتبط می‌دانند. به نظر شما این احتمال تا چه میزان می‌تواند صحیح باشد؟ ارزیابی شما چیست؟

اشکوری: در این مورد نمی‌توان به صورت قاطع اظهار نظر کرد اما احتمال کاملاً معقولی است چرا که در طول این چهار دهه که از عمر حکومت جمهوری اسلامی می‌گذرد، در ماجراهای مختلف از جمله برجام و تحریم‌ها و در حال حاضر هم مساله بازگشت یا عدم بازگشت به برجام، شاهد بودیم وقتی پای منافع باندهای قدرت نظیر سپاه پاسداران یا نیروهایی که مافیای قدرت محسوب شده و ثروت، قدرت، منزلت و همه چیز را در اختیار دارند، به میان بیاید، ممکن است ناگهان جناح‌ها و گروه‌های حکومتی تغییر موضع دهند. به همین نحو ممکن است گاهی طرفدار مذاکره با آمریکا و گاهی مخالف مذاکره باشند. بسته به منافع اقتصادی است که پشت صحنه دارند. به لحاظ تحلیلی می‌توان این حرف را زد.

اما در عین حال به نظر من آنچه که در این زمینه روشن‌تر و دقیق‌تر می‌توان گفت، این است که انگیزه آقای خامنه‌ای به طور خاص، همان ذهنیت توطئه محوری است که او در طول این ۳۲ سال رهبری در جمهوری اسلامی اعمال کرده است. البته پیش از او در دوره آقای خمینی هم وضع به همین منوال بود اما شرایط داخلی و بین‌المللی در آن دوره به‌گونه دیگری بود.

در طی ۳۲ سال گذشته، آقای خامنه‌ای هر صدا و هر حرکتی را چه در داخل و چه در خارج، علیه خود تلقی کرده است. آقای خامنه‌ای همه چیز را منطبق با دیدگاه ایدئولوژیک‌اش و به نفع خود تفسیر می‌کند. به عنوان مثال اگر احساس کند که در شرایطی باید آمریکا ستیزی کند، متوسل به امور واهی می‌شود، از جمله همین مسأله‌ای که اخیراً اعلام کرده مبنی بر اینکه به واکسن آمریکایی و اروپایی اطمینان ندارد و حرفهای بی اساسی

اصولی را تغییر دادند و چرخش عظیمی در برخی از مفاد قانونی ایجاد کردند که این تغییرات، گرایش دموکراتیک موجود در قانون اساسی را تقریباً به حداقل رساند و به مراتب بر اقتدار و قدرت نفوذ ولی فقیه افزود.

به عنوان مثال تا پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸، قوه قضاییه به صورت شورایی بود و شورای عالی قضایی این قوه را اداره می‌کرد. همچنین در آن دوره، وزیر دادگستری در مجلس پاسخ‌گو بود. در حال حاضر اما شورای عالی قضایی حذف شده و گرچه وزیر هم باقی مانده اما او مسئول نیست و صرفاً نامه بر قوه قضاییه است.

از سوی دیگر در قانون اساسی بازنگری شده، عزل و نصب رئیس قوه قضاییه به ولی فقیه سپرده شد. پس از آن شاهدیم که از یک طرف در قانون اساسی نوشته شده که قوه قضاییه مستقل است و از طرف دیگر رئیس این قوه توسط ولی فقیه تعیین می‌شود. چطور ممکن است وقتی رئیس یک دستگاه قضایی را یک فرد از بالا تعیین می‌کند، این دستگاه مستقل باقی بماند؟ برای نمونه، صادق لاریجانی در اوایل روی کار آمدنش بعد از سال ۱۳۸۸، وقتی راجع به مسأله حصر از او پرسیدند، در پاسخ گفته بود «ما سرباز ولایتیم» و هرچه ولایت تصمیم بگیرد ما به همان عمل خواهیم کرد.

یکی از تناقض‌ها هم همین است. از یکطرف رهبر با قید ولایت مطلقه فقیه در هر امری دخالت می‌کند و از طرف دیگر رئیس جمهوری داریم که با رأی مردم انتخاب می‌شود و سوگند می‌خورد که به قانون اساسی وفادار باشد ولی اختیارات زیادی برای اجرای قانون اساسی ندارد. طبق نص صریح قانون اساسی، رئیس جمهوری مسئول اجرای قانون اساسی است اما در عمل همه چیز حتی در جزئی ترین موارد در اختیار رهبر است.

صرف نظر از نقاط ضعف حسن روحانی، در هشت سال گذشته، اصولگرایان ولایت پیوسته دولت را زیر سوال گرفته و اعلام می‌کردند که ناکارآمد است.

باید گفت دلیل عمده ناکارآمدی دولت، به خاطر عدم کارایی ساختار حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی است و مشکل اصلی، فردی است که بر همه قوا نظارت دارد و مسئول است و خودش مستقیم فرمان می‌دهد.

تا زمانی که علی خامنه‌ای و پیروانش اینگونه القا می‌کنند که اگر موارد خوبی در کشور اتفاق افتاده به توصیه و اراده رهبر بوده و ضعف‌ها و ناکارآمدیها به دولت مربوط می‌شود و همچنین تا زمانی که تناقضات یاد شده در قانون اساسی وجود دارد، وضعیت همین است و هر رئیس جمهوری دیگری هم سرکار بیاید، تغییری در شرایط ایجاد نخواهد شد.



به‌عنوان دفاع از آمریکا و دیگری به‌عنوان دشمنی با آمریکا. من فکر می‌کنم همه این عوامل در تصمیم‌گیری‌ها نقش دارند چون در تحلیل مسایل اجتماعی نمی‌توان فقط به یک عامل تکیه کرد به‌ویژه اینکه ما هم نمی‌توانیم نیت خوانی کنیم و درباره چیزهایی که پشت صحنه وجود دارد و اطلاع دقیقی از آن در دست نیست، اظهار نظر قاطع کنیم اما مجموعه عوامل یاد شده برای آقای خامنه‌ای و اطرافیانش چنین ذهنیتی ایجاد کرده و دیدیم که اخیراً برخی از نمایندگان مجلس و برخی از حامیان و ذوب شدگان در ولایت هم در تأیید گفته‌های او، حرفهای شگفت‌انگیز و خنده داری زدند که از این بابت باید تأسف خورد که افرادی چنین ساده اندیش، دست‌اندرکار امور مملکتی هستند.

**سوال:** با توضیحاتی که درباره مفهوم «ولایت مطلقه فقیه» دادید، اکنون این پرسش مطرح می‌شود که جایگاه رئیس جمهوری در حکومت جمهوری اسلامی کجاست و دولت تا چه میزان در تضمین حق سلامت شهروندان مسئولیت و نقش دارد؟

اشکوری: اساساً جمهوری اسلامی در ساختار حقوقی اشکال دارد که البته این اشکال، در ساختار حقیقی آن هم بازتاب یافته است. یعنی قانون اساسی به‌ویژه قانون اساسی دوم که پس از بازنگری در سال ۱۳۶۸ مصوب شد، بعد از فوت خمینی،

## NOVAVAX



تشکیل شد تا حمایت مورد نظر در این اصل از یکایک شهروندان محقق شود.

در این باره، می‌توان به بند ۲۱ اصل ۳ اساسنامه بیمه سلامت ایران نیز توجه داشت که بر رفع هرگونه محرومیت در «زمینه بهداشت و تعمیم بیمه» تأکید داشته است. اصل‌های دیگر همچون اصل‌های ۰۲ و ۱۲ و بند ۱ اصل ۳۴ بیانگر توجه ویژه قانون‌گذار بر حق بر سلامت است.

اصل ۱۲ به حق بر سلامت در دوره بارداری زنان و اصل ۰۲ نیز به صراحت به حقوق انسانی بدون هیچ‌گونه تبعیض بین زن و مرد و اصل ۳۴ نیز به سیاست‌های اساسی دولت می‌پردازد.

در سند چشم‌انداز بیست ساله که از منظر حقوقی ذیل سیاست‌های کلی نظام قرار می‌گیرد افقی را برای جامعه ترسیم نموده که حائز سلامتی و ثیق است. رهبر جمهوری اسلامی به موجب بند یک اصل ۱۱ قانون اساسی، سندی را تحت عنوان سند چشم‌انداز بیست ساله در سال (۴۸۳۱) به منظور اجرا ابلاغ کرد. البته هر قانونی زمانی از اعتبار و جاهت حقوقی برخوردار است که دارای ضمانت اجرا در جامعه باشد! در غیر این صورت این موارد که ظاهراً در قالب قانون مطرح می‌شود، با توجه به فقدان تضمین اجرایی فاقد وجاهت قانونی است.

با این حال، مفهوم و محتوای این حق و تعهدات و مسئولیت‌های نظام اسلامی در ایران در دو سطح ملی و بین‌المللی که مصداق آن پیشگیری از بیمار شدن اشخاص به بیماری‌های

در کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان و منشور اجتماعی اروپا و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر نیز، حق بر حیات و حق بر سلامت را جزئی اساسی از حقوق بشر دانسته و تأکید این اسناد بر این است که حق جامعه بشری است که از سلامت جسمی و روانی و اجتماعی برخوردار باشند.

بر این اساس بهداشت و درمان و سلامت روح و روان و حق برخورداری از زندگی سالم، از حقوق مسلم شهروندی به شمار می‌آید، به نحوی که از شاخصه‌های اصلی جامعه ایده‌آل، داشتن وضعیت بهداشت و درمان و سلامت مطلوب است.

بنابراین، دولت علاوه بر مسوولیت در تأمین بهداشت عمومی و رفع نیازهای درمانی مردمان به استناد قانون اساسی، بر مبنای توافقات و تعهدات بین‌المللی نیز مسوولیت دارد و باید پاسخگو باشد.

دولت‌ها در ارتباط با تأمین و تضمین این حق دارای مسوولیت‌های معینی هستند و گرچه نمی‌توانند به‌طور کامل سلامتی افراد را تضمین نمایند، اما می‌توانند شرایطی را فراهم آورند که در آن سلامتی افراد مورد حمایت قرار گیرد و دستیابی به سلامتی برای افراد ممکن شود.

## قوانین داخلی

در خصوص اجرای اصل حیاتی سلامت، سازمان بیمه سلامت ایران زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش و پرورش پزشکی

## حق بر سلامت و ممنوعیت ورود واکسن بریتانیایی و آمریکایی



نیره انصاری

اما پس از آنکه دولت آمریکا با صدور مجوزی اعلام کرد که خرید واکسن از تحریم‌ها معاف است، مقامات گفتند که امکان انتقال پول برای خرید واکسن به دلیل تحریم‌های بانکی وجود ندارد. سرانجام، در پی اظهارات علی خامنه‌ای در مورد ممنوع بودن خرید واکسن آمریکایی و بریتانیایی، سازمان عفو بین‌الملل واکنش نشان داد و

گفت: «استفاده نکردن از این واکسن‌ها باعث صدمه بسیاری به شهروندان و مرگ آنها خواهد شد و مسوولیت آن با کسی است که چنین حرفی زده است.»

اما قوانین و اسناد بین‌المللی حقوق بشری در این باره چه می‌گویند؟

## قوانین و اسناد بین‌المللی حقوق بشری

در اسناد حقوق بشری همچون ماده ۵۲ بند اول اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۸۴۹۱، حق سلامت و رسیدگی‌های پزشکی برای تمام مردم دنیا الزامی دانسته است. همچنین، در قسمتی از ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۶۶۹۱ پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه‌گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها و نیز پیکار علیه این بیماری‌ها را از وظایف اصلی تمام دولت‌ها بر شمرده است.

بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی به حق استفاده از بهداشت عمومی، مراقبت‌های پزشکی، بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی اختصاص دارد.

حق بر سلامت (htlaeh ot thgiR)، در نظام‌های حقوقی و بین‌المللی حقوق بشر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در منابع داخلی حقوق ایران اعم از اصل ۹۲ قانون اساسی، سند چشم‌انداز توسعه، قانون تشکیل وزارت بهداشت و درمان، قانون مدیریت خدمات کشوری و منشور حقوق شهروندی بر این حق تأکید شده است. در منابع بین‌المللی و نظام‌های حقوقی مدرن جهان نظیر اساسنامه سازمان جهانی بهداشت (بند ۲ ماده ۲۱)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (نسل نخست حقوق بشر) و میثاقین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوق سیاسی و مدنی (نسل دوم حقوق بشر) و اسناد حقوق بشر منطقه‌ای، برخورداری از حق بر سلامت یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود.

در بسیاری از موارد، استانداردهای جهانی بر مقررات دارویی و مواد خوراکی حاکم است و حق حاکمیت دولت‌ها در آن زمینه‌ها بسیار محدود شده است. به همین جهت نیز در مناقشات سیاسی میان کشورها موضوعات مربوط به سلامت عمومی نوع بشر را نمی‌توان تحریم کرد.

این در حالی است که پس از صدور مجوز استفاده از واکسن‌های بایوتک-فایزر و آکسفورد مقامات جمهوری اسلامی در گام نخست مدعی شدند که به دلیل تحریم‌های آمریکا امکان خرید واکسن ندارند. و تأکید بر «تحریم دارویی» ایران توسط آمریکا از سوی جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی به شدت تبلیغ شده بود.



همه گیر و ایضاً کرونا ویروس باشد بدرستی مورد بررسی و اجرا قرار نگرفته است!

### پاسخ‌گویی دولت‌ها

دولت‌ها همچنان مهمترین بازیگران نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند، زیرا که دولت‌ها به دلیل وفور منابع در اختیار و قدرت بسیج‌کنندگی بالای خود در جایگاه نخست سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری برای مقابله با چنین بحرانی قرار دارند.

آیا بستن مرزها، ایجاد محدودیت در تردد افراد و سایر محدودیت‌های ایجاد شده در زندگی شخصی افراد در تضاد با حقوق اساسی انسان‌هاست؟ آیا شیوع سریع کرونا در تمام قاره‌های جهان را نباید نشانه‌ای از دنیای جهانی شده و در هم تنیده امروزی در نظر گرفت؟ این‌ها پرسش‌هایی جدی هستند که شاید در جهان پساکرونايي بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

شیوع این ویروس نشان داد که دولت‌ها همچنان مهمترین بازیگران نظام بین‌الملل به حساب می‌آیند.

شیوع بسیار سریع ویروس کرونا در سطح جهانی اگرچه نشانه‌ای از به هم پیوستگی جهانی و کم رنگ شدن مرزهای فیزیکی میان کشورهاست اما بسته شدن مرزها و ایجاد محدودیت در تردد آزادانه افراد به صورت دستوری از سوی دولت‌ها و مهمترین آن اتخاذ روش‌های اختصاصی از سوی دولت‌ها برای مدیریت بحران نتیجه‌ای جز در مرکز قرار گرفتن دولت‌ها به عنوان مهمترین بازیگر بین‌المللی به دست نمی‌دهد.

در این میان جایگاه سازمان بهداشت جهانی نیز تنها از حد یک سازمان تسهیل‌کننده و ناظر فراتر نرفته و مسئولیت اصلی در این موضوع همچنان بر عهده دولت‌هاست.

نظریه اینکه با استناد به قوانین و مقررات موجود در حقوق داخلی نظیر اصل ۹۲ قانون اساسی و قوانین حقوقی و کیفری و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی حکومت اسلامی و آرای صادره از محاکم قضایی در موارد مشابه چون آلودگی خونی در پرونده معروف هموفیلی‌ها و خون‌های آلوده به ایدز وارداتی از فرانسه به ایران (۴۶۳۱) و مسائل زیست محیطی و دیگر اسناد بین‌المللی که در اعمال تصدی و با یاری جستن از نظریه خطا (تقصیر) مطرح بوده، در صورت اثبات قصور و کوتاهی نظام جمهوری اسلامی در عدم پیشگیری به موقع و درمان نابجا و تأخیر و عدم آموزش و... مسئولیت جبران خسارات وارده به جامعه ایران و ایضاً خانواده‌های قربانیان این بیماری به حیث حقوقی بر عهده دولت ایران خواهد بود.

تصمیم رهبر جمهوری اسلامی برای بایکوت و ممنوع کردن دسترسی میلیون‌ها تن از مردم ایران به واکسن‌های حیاتی

آمریکایی و انگلیسی کرونا، نادیده انگاشتن حق حیات و حق سلامت است. رهبر جمهوری اسلامی در حال بازی کردن با جان میلیون‌ها انسان است. مقامات باید به این بی‌اعتنایی شرم‌آور به تعهدات حقوق بشری پایان دهند.

هر انسانی حق دارد که از اقدامات محافظتی در مقابل ویروس کرونا بهره‌مند شود و واکسن‌هایی که امن بودن و موثر بودن آن‌ها اثبات شده نقش کلیدی در تحقق این امر دارد. هیچ کس نباید بر اساس هویت، محل سکونت یا سطح درآمد از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی از جمله واکسن محروم شود.

در حقیقت امروز اولویت تهیه و خرید واکسن، نیازی حیاتی و ضروریست که باید صرفاً بر اساس نگرشی علمی و بر اساس مصالح ملی و فارغ از مسائل سیاسی به آن پرداخته شود و در کوتاه‌ترین زمان ممکن در اختیار مردم و اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های پرخطر و کادردرمانی قرار گیرد.

### اختیارات ولی فقیه و مخالفت علی خامنه‌ای با واکسن

به موجب اصل ۱۱۱ قانون اساسی، وظایف و اختیارات ولی فقیه تنها در یازده مورد بیان شده است؛ از جمله تعیین سیاست‌های کلی نظام؛ نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام. همچنین صدور فرمان همه‌پرسی؛ فرماندهی کل نیروهای مسلح و اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها؛ عزل و نصب و قبول استعفای برخی از مقام‌ها از جمله فقهای شورای نگهبان و رییس قوه قضاییه؛ تنفیذ حکم ریاست جمهوری یا عزل او با توجه به مصالح کشور و عفو یا تخفیف مجازات برخی از محکومین.

به استناد اصل نهم قانون اساسی هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

همچنین اصل ۹۵ این قانون نیز تصریح نموده که در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

بدین اساس، در هیچ یک از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی اختیاری مبنی بر مخالفت با واردات واکسن به ویژه در میان یک بیماری همه‌گیر جهانی مشاهده نمی‌شود.

فرا تر از اختیارات آقای خامنه‌ای در اصل یاد شده، ایشان در جایگاه صدور چنین حکم حکومتی مبنی بر محکومیت و بایکوت خرید و ورود واکسن کرونا ویروس برای مردم ایران نبوده و نیست زیرا که اساساً نظام حقوقی در این خصوص ورود پیدا نکرده است.

## دستور خریدن واکسن کرونا، مشارکت در قتل محسوب می‌شود



علی‌اصغر فریدی

با ارزش‌ترین سرمایه و دارایی هر شخصی حیات او است که این دارایی بی‌همتا با سلامتی شخص پیوند خورده است، به همین دلیل در قوانین اکثر کشورها، حق بر سلامت به عنوان یکی از اصلی‌ترین حقوق هر شخص به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها موظف به فراهم کردن تمامی امکانات لازم برای سلامتی و بهداشت افراد جامعه شده‌اند. همچنین حق بر سلامت، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، در نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز به رسمیت شناخته شده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز حق بر سلامت از طریق دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان یک حق اساسی و بنیادین همه شهروندان به رسمیت شناخته شده است. اصل ۲۹ این قانون به صراحت برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی حقی همگانی دانسته و وظیفه تامین این حق بر عهده حکومت گذاشته است. همچنین در اصل ۴۳ قانون اساسی، بهداشت و درمان در زمره نیازهای اساسی قرار داده و آورده است که تامین بهداشت و درمان برای ریشه‌کنی فقر و استقلال اقتصادی ضروری است.

پس از همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر دنیا، از طرفی دولت ایران متهم است به ناکارآمدی و بی‌برنامگی در کنترل این ویروس و از سوی دیگر هم به عدم شفافیت در ارائه آمار دقیق مبتلایان و فوت شدگان. پس از تولید واکسن کووید-۱۹ و

آغاز واکسیناسیون در سراسر دنیا، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، اعلام کرد که به آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها اعتماد ندارد و خرید این واکسن از کشورهای مذکور را ممنوع اعلام کرد. برای بررسی موضوع سلامت همگانی و حق بر بهداشت و سلامت در قانون اساسی ایران، مجله حقوق ما با معین خزائلی، دانش‌آموخته حقوق، مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن در ذیل آمده است.

**قوانین ایران در مورد سلامت افراد جامعه و حق برخورداری و بهره‌مندی از امکانات بهداشتی و درمانی چه گفته و این حق تا چه اندازه برای مردم مهیا شده است؟**

از آنجا که حق بهره‌مندی از دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی از جمله الزامات لاینفک حق بر سلامت است و این حق نیز خود تضمین حق حیات است، در قوانین موضوعه ایران نیز به مانند دیگر کشورها و قوانین حقوق بشری بین‌المللی این حق شناسایی شده و مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه قانون اساسی در دست‌کم سه مورد با اشاره به حق بهداشت و درمان سعی کرده ضرورت آن را به عنوان یک حق غیر قابل سلب برای همه شهروندان در ایران به رسمیت بشناسد. در بند ۱۲ اصل سوم این قانون بر طرف ساختن هرگونه محرومیت و در حقیقت محدودیت در دسترسی به امکانات

بهداشتی از جمله وظایف دولت جمهوری اسلامی تعیین شده است. در اصل ۲۹ نیز به صراحت برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی حقی همگانی شناخته شده و وظیفه تامین این حق بر عهده حکومت گذاشته شده. همچنین در اصل ۴۳ بهداشت و درمان در زمره نیازهای اساسی قرار داده شدند که تامین آنها برای ریشه‌کنی فقر و استقلال اقتصادی ضروری است.

بر این اساس روشن است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی حق بر سلامت از طریق دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی به عنوان یک حق اساسی و بنیادین همه شهروندان به رسمیت شناخته شده و این وظیفه حکومت است که آن را تامین کند. به ویژه اینکه از آنجا این حق از جمله حقوق اساسی است، نه تنها حکومت وظیفه تامین آن را دارد بلکه باید از آن محافظت نیز نماید. به این معنی که در برابر هرگونه دخالت و محدودیت در تامین این حق برای شهروندان حکومت موظف به دخالت فوری برای رفع ممنوعیت و محدودیت و احقاق حق است. مانند حق حیات که نه تنها حکومت ها خود موظف به احترام و رعایت آن هستند بلکه وظیفه پاسداری از آن را نیز در برابر تجاوز و تعدی بر عهده دارند.

اصل ۲۹ قانون اساسی، حق بر خدمات درمانی را مساله‌ای همگانی توصیف کرده و از این روی می‌توان، این اصل را در جرگه اصول حقوق بشری قرار داد. اصل ۲۹ مقرر کرده است: نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و ... حقی است همگانی. آیا دستور عدم خرید واکسن کرونا از سوی رهبر جمهوری اسلامی، ناقض این اصل از قانون اساسی نیست؟

بر اساس آموزه‌های حقوق بشری و قوانین بین‌المللی آنچه که به عنوان حقوق اساسی انسان‌ها به رسمیت شناخته شده مانند حق حیات قابل محدودیت و ممنوعیت نیستند و هیچ مقامی یا حکومتی یا شرایطی نمی‌تواند در بهره‌مندی از این حق مانع ایجاد کند. حق بهداشت و درمان نیز از آنجا که به طور مستقیم با حق حیات در ارتباطند و در حقیقت تضمین این حق محسوب می‌شوند، شامل این ممنوعیت هستند. به علاوه اینکه با توجه به شناسایی حق بهره‌مندی از امکانات بهداشتی و درمانی و به عنوان حق اساسی شهروندان در قانون

اساسی، از منظر قانون داخلی نیز این حق به هیچ وجه قابل ممنوعیت و محدودیت نیست. از این رو هرگونه عملی یا سیاستی که در تضاد با احقاق این حق برای شهروندان باشد برخلاف قانون است.

بر این اساس دستور رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر ممنوعیت واردات واکسن کرونای ساخت آمریکا و انگلیس نه تنها مغایر با قانون اساسی در زمینه ممنوعیت اعمال تحدید در حق بهداشت و درمان است، بلکه با وظایف تعیین شده برای رهبر در قانون اساسی نیز تضاد دارد. ضمن اینکه مشکلات مرگ شهروندان ناشی از این دستور نیز خود می‌تواند به عنوان مشارکت در قتل محسوب شود. چرا که در شرایط فعلی که یکی واکسیناسیون کرونا تضمین حق حیات شهروندان است، استنکاف از آن از سوی دولت‌ها و حکومت‌ها یا ایجاد مانع در آن به معنی تجاوز و تعدی به اساسی‌ترین حق انسان یعنی حق حیات است.

**بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو میثاق را ملزم به پیشگیری و معالجه بیماری‌های مسری، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای تامین خدمات و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری، کرده است. عملکرد جمهوری اسلامی طی یک سال گذشته و در زمان همه‌گیری ویروس کرونا، در رابطه با مفاد این میثاق چگونه بوده است؟**

حقوق به رسمیت شناخته شده در قوانین و اسناد حقوق بشری از جمله میثاقین (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) حقوقی هستند که باید به طور کامل برای همه انسان‌ها و فارغ از هرگونه تبعیض و محدودیت اعمال شوند. روشن است که این به این معنی است که در صورت نقض حتی یک حق برای یک انسان این حقوق مورد تعدی قرار گرفته و به طور کامل اجرا نشده‌اند.

عملکرد جمهوری اسلامی نیز در زمان همه‌گیری کرونا در طول یکسال گذشته به دلیل وجود انتقادات جدی به این عملکرد می‌تواند نقض حق اساسی بهداشت و سلامت محسوب شود. به ویژه اینکه گزارش‌های روشنی از عدم اتخاذ سیاست

دسترسی به بهداشت و درمان را برای شهروندان محدود کند نیست. از این رو سازمان‌های مردم‌نهاد و حتی مردم می‌توانند قانونا با شکایت به دیوان عدالت اداری، دولت را مجبور به تامین واکسن مورد نیاز کنند.

در عین حال اما قانونا نمی‌توان دولت را مجبور به خرید یک نوع خاص از واکسن کرد مگر اینکه بتوان ثابت کرد که دیگر انواع آن کارایی لازم را ندارند.

البته این اقدامات صرفا بر روی کاغذ و به صورت نظری قابل انجامند، چرا که در شرایط فعلی در ایران این قانون نیست که حکمرانی می‌کند بلکه رهبر جمهوری اسلامی است که حرفش نقش قانون را بازی می‌کند. از این رو به نظر نمی‌رسد بتوان جز با اعتراضات مردمی و مدنی و درخواست شهروندان و مطالبه‌گری راهی برای نشان دادن مخالفت مردم با این تصمیم غیرقانونی و ضد انسانی رهبر جمهوری اسلامی یافت. از منظر بین‌المللی نیز از آنجا که جمهوری اسلامی می‌تواند با انواع ترندها از خرید واکسن ساخت انگلیس و آمریکا سرباز زند مانند اینکه اعلام کند توان پرداخت یا حمل و نقل آن را ندارد، به نظر نمی‌رسد راهی برای اجبار این حکومت در این زمینه وجود داشته باشد. به ویژه اینکه بعید به نظر می‌رسد که اقدام یک حکومت در خرید یک نوع ویژه از محصولات درمانی یا دارویی به عنوان نقض جدی حقوق بشر در مجامع بین‌المللی به گونه‌ای محکوم شود که اقدام جدی در زمینه آن صورت گیرد. نهایت اینکه مانند نقض حق حیات در ایران از سوی جمهوری اسلامی با آن برخورد می‌شود و قطعنامه‌ای در شورای حقوق بشر سازمان ملل یا مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر محکومیت آن تصویب می‌شود.

مگر اینکه بتوان ثابت کرد این اقدام جمهوری اسلامی (ممنوعیت خرید یک برند ویژه از واکسن کرونا) جنایت علیه بشریت و به نوعی اقدام به قتل عام عامدانه یا مثلا پاکسازی نژادی است که بسیار بعید است بتوان از منظر حقوقی این را اثبات کرد.

در عین حال تمرکز بر جنبه حقوق بشری این موضوع و تکرار مداوم این مساله بر اینکه این تصمیم جمهوری اسلامی بر خلاف حقوق اساسی انسان است از سوی سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری، می‌تواند فشارهای حقوق بشری را بر روی جمهوری اسلامی افزایش دهد.



های لازم به ویژه در یکی دو ماه ابتدایی همه‌گیری از سوی جمهوری اسلامی وجود دارد مانند عدم تعلیق پروازها به چین، عدم تعلیق انتخابات مجلس و حتی تبلیغ در مورد دروغ بودن شیوع کرونا در ایران.

این عملکرد نشان می‌دهد حکومت جمهوری اسلامی به صورت عامدانه و در جهت منافع سیاسی خود، مبارزه با همه‌گیری را جدی نگرفته و اقدامات لازم را دیرتر از زمان ضروری آغاز کرد. کاری که به صراحت می‌تواند برخلاف ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شناخته شود.

**چه ابزار یا ابزارهای حقوقی داخلی یا بین‌المللی وجود دارد که بتوان جمهوری اسلامی را وادار به اقدام جدی و به ویژه تهیه واکسن کرونا برای همه شهروندان کرد؟**

باید دانست از منظر قانونی اساسا دستور رهبر جمهوری اسلامی در زمینه ممنوعیت ورود واکسن کرونای ساخت آمریکا و اسرائیل برای هیچ نهاد و ارگانی لازم الاجرا نیست؛ حتی مجلس نیز قانونا مجاز به تصویب قانونی که حق اساسی

## مخالفت با ورود واکسن، نقض اصل

### منفعت عمومی شهروندان

#### و حق حیات



شهرزاد کریمی

در این رابطه مطابق با قوانین جمهوری اسلامی توضیح

دهید.

برای ورود به بحث، ضروریست که بدوا حدود اختیارات و وظایف رهبر در نظام حقوقی کنونی ایران مورد توجه قرار بگیرد. اصل پنجاه و هفت اشعار می‌دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده قانون اعمال می‌گردند...»

در همین راستا در اصل ۱۱۰ حجم نامحدودی از اختیارات از تعیین سیاست‌های کلی نظام تا فرماندهی کل نیروهای مسلح و نصب عالی‌ترین مقام قضایی کشور به شخص رهبر واگذار شده است. ترکیب ناهمگون و ناهنجار این وظایف که مبین اختیارات وسیع تقنینی، اجرایی و حتی مداخله قضایی است، تشخیص حدود و ثغور صلاحیت‌های قانونی رهبر را تقریباً غیرممکن ساخته است.

از سوی دیگر به کار بردن اوصافی نظیر مطلق بودن ولایت و امامت امت برای رهبر و ایضا لحاظ اصل چهارم قانونی اساسی که حاکمیت موازین اسلامی بر کلیه امور است، راه را بر زیست هر گونه مفاهیم و اصول بنیادین حقوق عمومی

در بند دوم ماده دوازدهم میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مشخصاً به بیماری‌های مسری و وظیفه حکومت‌ها برای پیش‌گیری، معالجه و مبارزه با این قبیل بیماری‌ها اشاره شده است.

برخی از مردم به دلیل اعتقادات و برداشت‌های سنتی، دینی و یا تفکرات برگرفته از تئوری توطئه، مخالف تزریق هر نوعی از واکسن هستند. از طرف دیگر واکسینه‌نشدن عده‌ای هر چند معدود، می‌تواند به ابتلای جامعه، تضييع حق سلامتی آن‌ها و بازگشت بیماری و آلودار منجر شود. این مسئله سوالاتی را درباره حق دولت‌ها برای استفاده از فشار به جهت انجام واکسیناسیون مطرح می‌کند.

از سوی دیگر، علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، ورود برخی واکسن‌های غربی را ممنوع کرده است. مجله حقوق ما در گفت‌وگو با فراز فیروزی مندومی، حقوق دان، از او پرسید:

آیا علی‌خامنه‌ای اساساً حق اعمال ممنوعیتی در این سطح، که مستقیماً با جان مردم مرتبط است را دارد؟ در صورت امکان مشخصاً در ارتباط با اختیارات ولی فقیه

و حکومت داری اسلامی ندارد و اساساً شهروندان، در قالب مفاهیمی نظیر بیعت، صرفاً مکلف به تبعیت از امام هستند. متعاقب انقلاب ۵۷ در ایران، این چنین دکترینی، تبدیل به نظم حقوقی و اساسی کشور شده است.

از جمله اصول بنیادین حقوق عمومی در ارتباط با واکسن کرونا اصل منفعت عمومی (خیر عام) است که حاکمیت بایستی در مقام برآوردن و نه جلوگیری از آن باشد. در همین راستا مثلاً دیباچه قانون اساسی ۱۹۴۶ فرانسه، حمایت از بهداشت را در صدر مقوله منفعت عمومی ذکر کرده است.

در موضوع اخیر مخالفت آقای خامنه‌ای با ورود واکسن‌های آمریکایی و انگلیسی به ایران، نامبرده به غایت، اصل منفعت عمومی شهروندان که مرتبط با حق حیات - به عنوان مهمترین مصداق حقوق بشر که پایه و اساس برای برخورداری از دیگر حقوق بشر است - را نقض کرده، لیکن هیچ مکانیسمی جهت کنترل قضایی نامبرده وجود ندارد و اساساً در رویه قضایی نیز رفتار و فرمان‌های رهبر جز اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی در نظر گرفته شده است. مثلاً هیات عمومی دیوان عدالت اداری در آراء شماره ۱۸۷ مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۷ و رای شماره ۳۵۳ مورخ ۱۳۸۶/۵/۲۱ نظامات تقنینی با تنفیذ رهبر را از شمول صلاحیت خود خارج دانسته است.

اگر کشوری با بیش از هشتاد میلیون جمعیت با ورود واکسن‌های تایید شده مخالفت کند آیا در برابر جامعه جهانی به لحاظ حقوق بین‌الملل مسئولیتی دارد و قانونی برای آن تعریف شده است؟

تمایل دارم این مسئله را بصورت کلی‌تری پاسخ دهم. نکته این‌جاست که الزامات حقوقی یک دولت در زمان بروز بیماری‌های فراگیر مگر بار در قضیه اخیر ویروس کرونا در ارتباط با حق بر سلامت چیست؟ آیا اساساً در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، مقوله‌ای به نام حقوق سلامت و بویژه مقررات ناظر بر زمان بحران، برای حمایت از حق حیات شهروندان وجود دارد؟

در پاسخ بایستی ابتدا به شلختگی و ناهماهنگی ارکان تصمیم‌گیر اشاره کرد که خود ناشی از عدم وجود نظم حقوقی



که حاصل زندگی و تجربه زمینی بشر است، می‌بندد. حقوق عمومی شاکله اصلی هر نظام حقوقی است چرا که رابطه نابرابر حاکمیت و شهروندان را انتظام می‌بخشد. متأسفانه حقوق عمومی و اصول ناظر بر آن هیچ مبنایی در نظام فقهاتی

سستی و یا سفارش شده از سوی برخی مذهب‌یون را موثر می‌دانند که بلاشک ضرر این نوع تفکر گریبان‌گیر کل جامعه خواهد بود، چه طبقه حاکم و چه مردم عادی کوچک و بازار.

سوال این است که آیا نباید حکومت مکانیسمی را برای کنترل این گروه‌ها عملیاتی سازد؟

آن‌گونه که پیشتر هم اشاره کردم مفاهیم نوینی نظیر اصل حاکمیت قانون، پاسخگویی، کنترل اختیارات مقامات عمومی در نظام حقوقی-فقهی جمهوری اسلامی، از اعتبار حقوقی قاطعی برخوردار نیست. لذا مشاهده می‌شود هر سازمان و یا مقام حاکمیتی به تنهایی خود را صالح به مقولات کاملاً تخصصی نظیر حق بر سلامت می‌داند.

مثلاً ستاد اجرایی فرمان آقای خمینی، بدون برخورداری از صلاحیت در این زمینه، خود را به عنوان متولی تولید و یا خرید واکسن کرونا معرفی می‌کند. قواعد حقوق عمومی به دلیل حمایت از شهروندان در مقابل حاکمیت، ذاتاً اصول تفسیری متفاوت و اباحه جاری نیست که هر کس بر اساس تفسیر و سلیقه شخصی به تنظیم امورات شهروندان بپردازد. لیکن در نظام فقهی برگرفته از انقلاب ۵۷ در زمان بروز اختلاف نظر در تفسیر حدود صلاحیت مقامات عمومی، بازهم اصول فقهی که عمدتاً حول حقوق خصوصی شکل گرفته و ظرفیت پاسخگویی به نهادهای حقوقی مدرن را ندارد، اعمال می‌شود.

در این خصوص حتی نظام آموزشی حقوق در ایران، با اشکالاتی بنیادین مواجه است به نحوی که در چارت درسی کارشناسی رشته حقوق، کمترین واحدهای درسی به حقوق عمومی اختصاص یافته است. در نتیجه در فقدان یک نظم حقوقی اساسی و نیز عدم وجود دادگاهی عالی به نام دادگاه قانون اساسی که پاسدار حقوق بنیادین شهروندان در مقابل زیاده خواهی حاکمیت در کشورهای مختلف است، شهروندان ایرانی از حداقل حقوق مصرح در قانون اساسی از جمله دادخواهی در خصوص دسترسی به سلامت و در قضیه اخیر، دسترسی به واکسن کرونا نیز محروم هستند.



سطح بین‌المللی شود. در این صورت امکان طرح مسئولیت بین‌المللی جمهوری اسلامی در مجامع بین‌المللی وجود دارد.

نکته‌ای که اینجا مطرح می‌شود این است که نظام حاکم بر ایران و شخص رهبر جمهوری اسلامی، حداقل قائل به تزریق نوعی از واکسن که از مجاری خودشان قرار است ارائه بشود هستند. اما از طرفی دیگر گروه‌هایی را حمایت می‌کند که از اساس و بصورت کلی تزریق هر نوعی از واکسن را مجاز نمی‌دانند و استفاده از داروهای

حق بر سلامت است. در جدیدترین سند بین‌المللی نیز مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۷۴/۲۷۴ مورخ ۲۰ آوریل ۲۰۲۰ با ابتناء بر مفاهیمی نظیر حقوق همبستگی، کلیه دولت‌ها را مکلف به هرگونه همکاری بین‌المللی از طریق تامین مالی و به اشتراک گذاشتن پروژه‌های تحقیقاتی برای دستیابی کلیه انسان‌ها به واکسن کرونا می‌داند.

بر این اساس دولت‌ها مکلف به تامین فوری واکسن برای شهروندان خود بر اساس وضعیت هر کشور هستند. مخالفت رهبر جمهوری اسلامی به عنوان بالاترین مقام کشور، می‌تواند حق بر حیات شهروندان ایران را دچار مخاطره جدی و منجر به گسترش هر چه بیشتر ویروس با توجه به حجم ارتباطات در

اساسی در ساختار تصمیم‌گیری کشور، علی‌الخصوص در زمان بحران است. در مراتب بعدی نیز نبود مقام مستقل تنظیم‌کننده تخصصی بخش سلامت (Regulator) کشور.

دولت ایران علی‌رغم پذیرش مقررات بهداشتی بین‌المللی سازمان جهانی بهداشت، در خصوص نحوه پیش‌گیری، کنترل و درمان بیمارهای واگیردار، هیچ‌گونه اقدام تقنینی برای وارد کردن این الزامات حقوقی به حوزه سلامت انجام نداده است. حکمرانی در بخش سلامت در ایران، هیچ‌گاه تابع استانداردهای جهان‌شمول مدیریت سلامت و حقوق جهان‌شمول ناظر بر آن نبوده است. بر اساس مقررات سال ۲۰۰۵ سازمان جهانی بهداشت که متعاقب بحران جهانی ویروس سارس مصوب شد، کشورهای عضو سازمان مکلفند ظرف ۲۴ ساعت کلیه رویدادها، وقایع، آمار و اقدامات بهداشتی در خصوص بیمارهای فراگیر را به سازمان جهانی بهداشت اعلام دارند. دولت‌ها مکلفند که نتایج آزمایشگاهی، منبع، نوع ویروس، موارد ابتلا و مرگ و آخرین شرایط گسترش ویروس را گزارش کنند (ماده ۶).

با لحاظ این تعهدات بین‌المللی بدیهی است که جمهوری اسلامی با بی‌مسئولیتی تمام، ضمن انکار وجود ویروس کرونا در روزهای اول، موجبات گسترش بی‌رویه آن را فراهم آورد و این‌که گزارشی با این اوصاف هیچ‌گاه به سازمان جهانی بهداشت ارسال نشده بلکه بر اساس اظهارات تیم اعزامی این سازمان، آمار اعلامی ایران تنها یک پنجم مبتلایان واقعی در کشور بوده است. علاوه بر این ایران هیچ‌یک از استانداردهای توصیه‌ای در خصوص قرنطینه مراکز اصلی ابتدای شیوع ویروس، محدودیت‌های مبادی مرزی و مقررات ویژه مسافری را اعمال نکرده است.

پروازهای متعدد شرکت هواپیمایی ماهان به چین علیرغم وجود اطلاعات متقن دائر بر وجود ویروس کرونا در این کشور، برگزاری مراسم ۲۲ بهمن و انتخابات مجلس در دوم اسفند ماه سال گذشته، بدون وجود هیچ‌گونه محدودیت‌های بهداشتی. دولت ایران به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ ملل متحد ملحق شده و بنابراین تعهدات مصرح در این معاهده، دولت مکلف به همکاری بین‌المللی در ارتباط با

## محمد مقیمی

## منع واردات واکسن،

## مغایر قانون اساسی



علی اصغر فریدی

یکی از حقوق ذاتی انسان‌ها در هر جامعه‌ای، حق بر سلامت است. بنابه تعریف، حق بر سلامت به این معنی است که هر شخصی حق دارد تا به بالاترین استاندارد سلامت جسمی و روانی دستیابی داشته باشد. حق بر سلامت، تمامی خدمات پزشکی، بهداشت عمومی، مسکن مناسب، غذای کافی، محیط زیست پاکیزه و تمیز و محیط کار سالم را شامل می‌شود. فراهم کردن زمینه سلامتی انسان‌ها، نیازمند کار در ابعاد گوناگونی در حوزه‌های مختلف است و این گوناگونی و عوامل متنوع تأثیرگذار بر آن موجب دشواری تعریف حق مزبور شده است. دولت‌ها برای تأمین امکان یک زندگی سالم، ملزم به اتخاذ اقداماتی در حوزه‌های وسیعی هستند که برخی از این تعهدات مستلزم اقدام فوری و برخی دیگر در طول زمان باید تحقق پیدا کنند.

حق بر سلامتی، بخشی از حقوق اساسی و بنیادین شهروندان در هر جامعه سیاسی است. هر شهروند به مثابه عضوی از جامعه، صرف‌نظر از ملاحظات نژادی، دینی، سیاسی و فرهنگی صرفاً به واسطه وجود رابطه شهروندی، دارای حق و استحقاق لازم جهت بهره‌مندی از این حق است.

جمهوری اسلامی ایران با تصویب قوانین و مقررات مختلف در زمینه سلامت و همچنین پیوستن به کنوانسیون‌های مختلف بین‌المللی، حق بر سلامت را پذیرفته و آن را به رسمیت

شناخته و مورد حمایت قرار داده است. اصول مختلف قانون اساسی ایران از جمله اصل ۲۳، حق بر خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی را برای همگان به رسمیت می‌شناسد. همچنین در سند چشم‌انداز بیست ساله که ضمن توصیف مشخصات جامعه سالم ایرانی به ذکر موارد مربوط به بخش سلامت می‌پردازد نیز بر حق بر سلامت تأکید شده است. فصل هفتم برنامه چهارم توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و بخش مربوط به سلامت قانون برنامه پنجم توسعه به ارتقاء سلامت و بهبود کیفیت زندگی اختصاص دارد و قوانین مربوط به بیمه به تبیین و شناسایی این حق پرداخته است.

تعهدات دولت در قبال ارتقای حق بر سلامت نظیر هر حق بشری دیگر دارای سه بعد است: اول اینکه، تعهد به احترام، یعنی دولت به شیوه‌ای عمل کند که آزادی عمل فرد و کرامت او حفظ شود. در رابطه با حق بر سلامت این امر از طریق قوانین و سیاست‌های حکومتی اعمال می‌شود.

دوم: تعهد به حمایت که طبق این تعهد، حقوق افراد محترم است و نه تنها دولت نباید مداخله کند بلکه باید از مداخله‌ی اشخاص ثالث هم جلوگیری به عمل آورد. این تعهد یعنی دولت‌ها باید تلاش کنند خطرات تهدید کننده سلامتی را به حداقل رسانده و اقدامات ضروری برای حمایت از حق بر سلامت مردم در برابر مداخله اشخاص ثالث را انجام دهند.

وسوم تعهد به ایفاء است که طبق این تعهد، دولت‌ها ملزم به انجام اقداماتی هستند که افراد را در عمل قادر به برخورداری از سلامت می‌کند، از جمله این اقدامات، اقدامات تقنینی، اداری، بودجه‌ای و قضایی است.

با همه‌گیری کرونا در تمام دنیا و عملکرد بسیار ضعیف دولت ایران در ایجاد قرنطینه و کنترل این ویروس و عدم شفافیت در اعلام آمار مبتلایان و جان‌باختگان توسط کووید-۱۹، اخیراً که چند شرکت بزرگ داروسازی توانسته‌اند واکسنی برای برای مقابله با این ویروس را تولید کنند و بیشتر کشورهای دنیا در حال واکسیناسیون شهروندان خود در مقابل کووید-۱۹ هستند، علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، خرید و وارد کردن واکسن ساخت کشورهای آمریکا و انگلیس را با بیان اینکه به این کشورها اطمینان ندارد، ممنوع اعلام کرد و متعاقب آن وزیر بهداشت و درمان ایران نیز با «پدرانه» خواندن «نصیحت» رهبر نظام، اعلام اطاعت کرد.

برای بحث در مورد مسئله سلامت و بهداشت شهروندان و برخورداری از حق بر بهداشت در قوانین جمهوری اسلامی، مجله حقوق ما مصاحبه‌ای با محمد مقیمی وکیل دادگستری انجام داده که مشروح آن به شرح ذیل است.

قوانین ایران در مورد سلامت افراد جامعه و حق برخورداری و بهره‌مندی از امکانات بهداشتی و درمانی چه گفته و این حق تا چه اندازه برای مردم مهیا شده است؟

حق سلامت در بند ۱۲ اصل ۳ و اصول ۲۰، ۲۱ و بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین پنجساله توسعه کشور و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که کشورمان نیز به آن پیوسته و برابر ماده ۹ قانون مدنی در حکم قوانین داخلی است، مورد شناسایی قرار گرفته است. وضعیت حق سلامت در ایران در برخی موارد مانند





نیروی متخصص اعم از پزشک متخصص و پرستار مطلوب است و عرضه برخی خدمات بهداشتی و درمانی در ایران مانند کشورهای توسعه یافته است. اما معایب و نقایصی وجود دارد. برای نمونه در برخی موارد در بیمارستان‌های خصوصی حق سلامت و برخورداری از خدمات درمانی با چالش جدی روبرو است.

بیماری‌های مسری، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها، همچنین پیکار علیه این بیماری‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای تأمین خدمات و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری، کرده است. عملکرد جمهوری اسلامی طی یک سال گذشته و در زمان همه‌گیری ویروس کرونا، در رابطه با مفاد این میثاق چگونه بوده است؟

عملکرد جمهوری اسلامی در یک سال گذشته و در مواجهه با همه‌گیری کووید ۱۹ نه تنها با مفاد بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسب نبوده است، بلکه ناقص ماده یادشده و دیگر قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی بوده است.

چه ابزار یا ابزارهای حقوقی داخلی یا بین‌المللی وجود دارد که بتوان جمهوری اسلامی را وادار به اقدام جدی و به ویژه تهیه واکسن کرونا برای همه شهروندان کرد؟

ضمانت اجرای داخلی قوانین و مقررات در یک کشور به میزان وجود دموکراسی و رعایت اصول حکمرانی مطلوب مانند حاکمیت قانون، شفافیت، مشارکت مردم، دادگستری مستقل، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و همچنین وجود رسانه‌های آزاد که به عنوان رکن ۴ دموکراسی از آن یاد می‌شود، بستگی دارد. در خصوص ضمانت اجرای بین‌المللی نیز باید گفت؛ همواره یکی از چالش‌های جدی حقوق بین‌الملل و حقوق بشر، موضوع ضمانت اجرا بوده است.

اصل ۲۹ قانون اساسی، حق بر خدمات درمانی را مساله‌ای همگانی توصیف کرده و از این روی می‌توان، این اصل را در جرگه اصول حقوق بشری قرار داد. اصل ۲۹ مقرر کرده است: نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. آیا دستور عدم خرید واکسن کرونا از سوی رهبر جمهوری اسلامی، ناقض این اصل از قانون اساسی نیست؟

دستور رهبر جمهوری اسلامی مبنی بر ممنوعیت خرید واکسن کرونا که مورد تایید سازمان بهداشت جهانی و جامعه جهانی است، بطور قطع با اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصل ۲۹، قوانین عادی کشورمان و اسناد بین‌المللی در خصوص حق زندگی و حق سلامت، مغایر است. همچنین، این دستور ایشان ناقص آزادی شهروندان ایرانی نیز است.

بند ۲ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کشورهای عضو میثاق را ملزم به پیشگیری و معالجه

## حقوق ما

### ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سردبیر این شماره: مریم غفوری  
تماس با مجله: mail@iranhr.net